

ز بندرستی

سراینده: استاد تقی کلورزاده

برسیم ز هم کستکی می زد تار	در کوشهء دل شکستی می زد تار
چون زورق در کزیر از طوفان ها	فریاد به گل نشستگی می زد تار
انگشت، به بزم پرده ها، می رقصید	غم ناله، زرنج و خستکی می زد تار
میوخت ز هم بریدگی رایسوخت	بر شعلهء مهر و بستگی می زد تار
مضراب، میان پنجه اش می لرزید	بیداد از این دو دستگی می زد تار
آهسته فرو نشست، غوغای دلش	در شور، سخن زرستی می زد تار
در ابر نگاه آسمان پیمایش	فرهاد ز بند بستگی می زد تار